

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۰/۳۳۰۱/۱۵۲۱

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۹۵/۲۲۵ رده بندی کنگره: الف ۷۸۵۵/۹۰۳

مبانی و مولفه های تربیت اخلاقی کودک از منظر امام علی (ع)

وجیهه چوپانی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تربیت اخلاقی کودکان با تأکید بر دیدگاه امام علی (ع) مورد بررسی قرار گرفت در این تحقیق ضمن ارائه تعریف مختصری از اخلاق و برداشت های امام علی (ع) به بررسی مبانی، اصول، روش، هدف و همچنین بررسی صلاحیت حرفه ای معلم برای تربیت اخلاقی کودک پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که در مبانی تربیت اخلاقی کودکان به پرهیزگاری، اعمال عبادی، نظم حسابرسی، آزادگی، دادگری و ظلم ستیزی، زهدورزی و زخاف فریبای دنیا، عمل صالح و خدمت به خلق، تعقل و تفکر در امور و دانش - اندوزی در اصول تربیت اخلاقی به شرایط محیط انسان، عزت، تعقل، تداوم در عمل، تذکر، فضل و عدل در روش تربیت اخلاقی به زمینه سازی، معاشرت و مجالست، الگوسازی، احترام گذاشتن، تعافل، تزکیه و تهذیب نفس، تمرین، تکرار و عادت دادن، محاسبه، موعظه، عبرت - آموزی، عفو مبالغه، مبالغه در تشویق و توبه در اهداف تربیت اخلاقی تقوا، قناعت، سماجت و پرورش روح عدالت خواهی و همچنین در تعیین صلاحیت معلم برای تربیت اخلاقی اخلاص در نیت و عمل، تقید به عمل صالح حسن خلق و فروتنی، علو همت و عفت نفس، عالم به مقتضیات زمان، توجه به مسئولیت و ایجاد زمینه برای شکوفایی و رشد تفکر و تعقل و معنویت در متربیان مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت اخلاقی، کودک، امام علی، تشویق و تنبیه، نوجوان

انسان امروزه به دلیل دوری از معنویات، مسائل ارزشی و اخلاقی با مشکلات زیادی مواجه شده است. قتل و قارت و جنگ، اعتیاد و فحشا و فساد که هرروزه در اقصی نقاط دنیا از طریق رسانه‌ها شاهد آن هستیم، همگی ناشی از بی‌توجهی و بی‌تفاوتی به ارزش‌های اخلاقی و کم‌رنگ شدن آن در تربیت نسل جدید است. و یکی از مهم‌ترین دلایل این معضلات عدم پرداختن متفکرین و اندیشمندان تعلیم تربیت جهان به مسائل ارزشی و اخلاقی است. بنابراین پژوهش در تربیت اخلاقی از ضرورت‌های عصر حاضر به شمار می‌رود و لذا در این تحقیق به بررسی مبانی، اصول، هدف، روش‌های تربیت اخلاقی کودکان و صلاحیت‌های حرفه معلمی جهت تربیت کودکان در دیدگاه امام علی (ع) او که مظهر فضایل و کمالات و برترین مربی بعد از پیامبر (ص) بوده است، پرداخته‌ایم و بر اساس اهداف تحقیق که عبارت‌اند از: ارائه طرح منسجمی از تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه حضرت و ایجاد زمینه جهت تفکر و بازاندیشی در امر پرورش اخلاق کودکان در جامعه و گردآوری دیدگاه‌های امام علی (ع) درباره اصول و روش‌های تربیت اخلاقی و صلاحیت‌های حرفه معلمی جهت تربیت کودکان.

روش این پژوهش توصیفی و تحلیلی بوده و شیوه استخراج یافته‌ها نیز بر اساس توصیف و مطالعه متون نهج‌البلاغه، شروح نهج‌البلاغه، احادیث مربوط به حضرت بوده است و شیوه استنتاج، تحلیل مفهومی و استنباط و تفسیر است، همچنین از نتایج تحقیق می‌توان به نکات ذیل اشاره نمود. مبانی تربیت اخلاقی از منظر امیر المومنین شامل: اعمال عبادی، آزادگی، دادگری و ظلم‌ستیزی، زهد ورزی و اعراض از زخارف فریبای دنیا، عمل صالح و خدمت به خلق، تعقل و تفکر در امور، دانش‌اندوزی توأم با عمل، اصول تربیت اخلاقی کودکان از منظر امام علی (ع) شامل: اصلاح شرایط محیط انسان، عزت، تعقل، تداوم در عمل، تذکر، فضل و عدل است. و نیز روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه ایشان عبارت‌اند از: زمینه‌سازی، الگوسازی، معاشرت و

مجالست، احترام گذاشتن، تغافل، تزکیه، و تهذیب نفس، تکرار و تمرین و عادت محاسبه نفس، موعظه، عبرت آموزی، عفو، توبه، مبالغه در تشویق و تنبیه و مجازات است. امیدوارم که با انجام این تحقیق گامی هرچند کوچک در جهت آشنایی با دیدگاه‌های تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی (ع) را فراهم آورده باشم.

همان‌طور که می‌دانیم دوران کودکی دوران تقسیم شاکله و تکوین شخصیت انسانی است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین علت است که گفته‌اند: کودک در پنج سالگی، نسخه کوچک شخص جوانی است که بعداً خواهد بود. در این دوره باید با رعایت اصول تعلیم و تربیت و سازگارهای مناسب، بهره‌گیری از روش‌های دموکراتیک و پرهیز از برخوردهای قهری و تکیه بر ارزش‌های انسانی و ملاک‌های عاطفی به پرورش و رشد مهارت‌ها و استعداد‌های کودکان و نوباوگان اقدام کرد. در آموزه‌های به یادگار مانده از پیشوایان معصوم آمده است که به فرزندان نماز، شنا، تیراندازی و سروده‌های عبدی را بیاموزید (اسلامی، ۱۳۷۹).

همان‌طور که بیان شد از دید اسلام اهمیت دوران کودکی به حدی است که تمامی پیشوایان دینی در آموزه‌های خود به این دوران توجه خاصی داشته‌اند. یکی از اصولی که در دوران کودکی باید به آن توجه شود مسئله تربیت کودک است کودک تنها در پرتوی تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه‌ورز به اهداف و آرمان‌های خود دست می‌یابد و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌نماید از این رهگذر برای انسان مسلمان تربیت اسلامی ضرورتی مضاعف دارد زیرا انسانی که گردنبند مروارید دانه دین و بندگی خالق متعال را برگردن آویخته جز در پرتو تربیت صحیح اسلام به مدال افتخار عبودیت و تسلیم نائل نمی‌آید، از سویی دیگر چنین انسان مسلمانی برای پیمودن راه سعادت و بندگی احتیاج به الگوهای مطمئن عملی دارد تا با نصب العین قرار دادن دیدگاه‌ها و سیره عملی آنان، هم راه صحیح بندگی و سعادت را بیمایند و هم در این وادی سریع‌تر گام نهد و سریع‌تر به مقصد نائل آید، از این رو

معصومین (علیهم السلام) که از گوهر عصمت و مصونیت از خطا و اشتباه برخوردارند، بهترین و مطمئن ترین الگوهای تربیتی بوده و ارائه دیدگاه ها و کشف و عرضه سیره تربیتی آنان یک ضرورت انکارناپذیر برای پویندگان عرضه تعلم و تربیت اسلامی است تربیت اسلامی که خود شامل چندین نوع است از قبیل تربیت اخلاقی، روانی، دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که بین آنها تربیت اخلاقی از جایگاه والایی و ضروری برخوردار است.

در این میان، ارائه دیدگاه ها و سیره تربیتی امام علی (ع) که خود «ابا الائم» و سرسلسله جانشینان به حق نبوی و سر آغاز تجلی گاه امامت معصومین (علیم السلام) و نخستین تشکیل دهنده حکومت اسلامی علوی است، بر ضرورت این کار می افزاید. تعلیم و تربیت اهمیت شگفت انگیز در زندگی انسان دارد. شکوفایی استعدادها و ارزش های والا مبتنی بر تعلیم و تربیت است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است. انسان نه تنها تربیت پذیر است بلکه تنها مخلوقی است که به تعلیم و تربیت نیازمند است و اگر این فرصت را از دست دهد، چیز ارزنده ای را برای همیشه از دست خواهد داد. تعلیم و تربیت می تواند به رشد و ارتقای جسمی و روحانی انسان یاری کند و نیازهای فردی و اجتماعی، اقتصادی و ... انسان را تأمین کند. به عبارتی تمام امور زندگی بشر با امر تعلیم و تربیت ارتباط دارد. از نظر اسلام کسی که از تعلیم و تربیت بی بهره است همچون کسی است که در بیابان خشکی سرگردان و متحیر است و نمی داند از کدام راه برود تا به سر منزل مقصود برسد در تعالیم اسلامی عالی ترین نوع توجه در مورد کودک سفارش شده است. هم چنین مجاهدت و تلاش پدر و مادر و مربیان در راه تربیت و حسن اداره زندگی و ایجاد رفاه و حضرت علی (ع) می فرمایند: «بهترین میراث از پدران برای فرزندان، ادب و تربیت نیکو است».

ضرورت است تربیت اخلاقی کودکان با مبانی و ارزش های فرهنگی و اجتماعی جامعه باشد و از آنجا که جامعه ما جامعه اسلامی و پرورش مذهب شیعه است لازم است تربیت اخلاقی با

فرهنگ اسلامی و شیعه هم ایستا باشد. مسئله این است باید بدانیم مؤلفه تربیت اخلاقی برای تربیت اخلاقی کودک کدام است؟

بخش اول: مبانی و روش های تربیتی کودک از منظر امام علی (ع)

روش در لغت به معنای طریق، قاعده، قانون و شیوه است (دهخدا، ۱۳۸۸).

روش تربیتی عبارت اند از: دستورالعمل هایی که به ما می گویند برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر چه باید بکنیم (باقری، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶).

در حقیقت، روش های تربیتی مظهر و نمود بارز کار تربیت هستند و بخش اعظم توفیق مربی نظام تربیت، در گرو شیوه هایی است که او برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده، به کار می بندد؛ به همین جهت گراف نیست اگر بگوییم خطرترین و دشوارترین مرحله از فرایند تربیت، تعیین و تشخیص روش های تربیتی و استفاده و به کارگیری صحیح و مؤثر آن است.

حضرت علی می فرماید:

((انما فَرَقَ بَيْنَهُ مَبَادِئُ طِينِهِمْ كَانُوا خَلْقَهُ مِنْ سَبْخِ اَرْضٍ وَعَدَبَهَا، وَعَدَبَهَا، وَحَزَنَ تَرْبَةً وَ سَهَّلَهَا. فَهُمْ عَلَى حَسَبِ قُرْبِ اَرْضِهِمْ يَتَقَارِبُونَ، وَ عَلَى قَدَرِ اخْتِلَافِهَا يَتَفَاوَتُونَ؛ آنچه میان انسان ها تفاوت به وجود آورده است. سرشت آنهاست. زیرا که ترکیب شان از پاره ای زمین است. و خاکی درشت یا نرمین است. پس آنان به اندازه نزدیکی زمین شان با هم سزاوارند. و به مقدار اختلاف آن از یکدیگر به کنارند)) (همان).

بر این مبنا توانایی و وسع و ظرفیت انسان ها مختلف و گوناگون است و بدون توجه به مراتب وجود و تفاوت توانایی انسان ها کار تربیت سامان نمی پذیرد. در تربیت نیاز به روش هایی که بتوان به وسیله آن روش ها، اصول تربیت را جامعه عمل پوشانید و راه سیر به سوی اهداف تربیت

را هموار نمود. چنان که برای هر کاری راهی مناسب آن و برای هر امری روشی درخور آن باید پیدا کرد و اگر برای ورود به هر کاری از راه مناسب و برای انجام دادن هر امری از روش درخور آن استفاده نشود، نمی‌توان انتظار نتیجه بایسته و شایسته داشت.

۱- روش زمینه‌سازی

مقصود از این روش این است که با فراهم نمودن بستر مناسب، امکان دیدن آمدن فضایل اخلاقی را در حد بالایی ایجاد کنیم و برعکس از ایجاد زمینه‌هایی که باروری منفی دارد و می‌تواند سبب پرورش رذایل اخلاقی شود بپرهیزیم. بر این اساس به جای توجه و تمرکز به کودک و رفتارهای او، به محیط پیرامون او توجه می‌کنیم و به تغییر روابط او با محیط می‌پردازیم.

اسلام به دو عنصر زمینه‌ساز اشاره کرده است:

در تعلیم و تربیت اسلام به دو عامل وراثت و محیط توجه شایانی نموده است و به اهمیت دادن به محیط‌های اولیه در آموزش و پرورش کودک به سعادت و شقاوت وی منتهی خواهد شد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مبدأ سعادت و شقاوت بشر را از شکم مادر دانسته و می‌فرماید: ((السعيد مَنْ سَعِدَ مِنْ شَقَى فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَاشْقَى مَنْ شَقَى فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ بدبخت آن کسی است که در شکم مادرش بدبخت شده است و خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت است)). بنابراین می‌توان گفت اولین روش تربیتی، ایجاد محیط سالم برای کودک است (علی بن ابراهیم قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۲۷).

امام علی (ع) با فراهم نمودن بستر مناسب، امکان پدید آمدن فضائل اخلاقی را فراهم می‌آوریم و همچنین از به وجود آمدن زمینه‌هایی که رفتارهایی ناپسند و رذایل اخلاقی را رشد می‌دهد، جلوگیری نماییم لذا در ابتدا به مهم‌ترین زمینه و بستر تربیت اخلاقی یعنی خانواده می‌پردازیم.

بدیهی است که اولین زمینه و بستر برای تعلیم و تربیت کودک محیط خانواده است. و بسیاری از زمینه‌های اخلاقی در آنجا رشد و نمو می‌کند. محیط سالم و ناسالم خانواده تأثیر عمیقی در پرورش فضائل اخلاقی و یا رشد رذایل دارد.

پدر و مادر از دو راه در وضع اخلاقی کودک اثر می‌گذارند از طریق ارث به‌طور ناخودآگاه و تعلیم و تربیت به صورت خودآگاه است و منشأ پرورش صفات خوب و بد می‌شود. امام علی (ع) در روایتی اشاره به جنبه ارثی اخلاق نموده است، ایشان می‌فرمایند: ((حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانٌ كَرَمَ الْأَعْرَاقِ؛ اخلاق پاک و نیک دلیل وراثت‌های پسندیده انسان است. (شرح غرور الحکم، ۱۳۶۲).

تشکیل خانواده مناسب زمینه مطلوب را برای رشد ارزش‌های اخلاقی به وجود می‌آورد و اولین قدم برای تربیت اخلاقی فرزند تشکیل خانواده مناسب و انتخاب همسر شایسته است.

امام علی (ع) در رابطه با انتخاب همسر که مشکلات روحی و روانی و اخلاقی نداشته باشد مهم است. زیرا می‌تواند مشکلات خود را از طریق ژن (ارث) به فرزندان خود منتقل ننماید. امروزه روانشناسان معتقدند که قوانین ارث نه تنها در تشکیل نطفه اثر دارد بلکه روی حالات روحی و روانی او نیز مؤثر است، فرزندان اخلاق، روحیات و حالات عصبی خود را از والدینشان به ارث می‌برند، البته محیط نیز بی‌تأثیر نمی‌باشد. حضرت نیز اثر ارتباط با جنبه ارثی اخلاق می‌فرماید: ((مَا نَحْلُ وَالِدٍ وَالِدًا أَفْضَلَ مِنْ آدَبٍ حَسَنٍ؛ پدر ارثی را برای فرزندش باقی نمی‌گذارد که بهتر از ادب و تربیت نیک باشد)) (همان). امام علی (ع) نیز در همین ارتباط می‌فرماید: ((کسی که ریشه خانوادگی‌اش شریف است در حضور و غیاب و در هر حال دارای فضیلت و صفات پسندیده است.)) قدم بعدی برای ایجاد و شرایط مناسب تربیت اخلاقی فرزند، رعایت حقوق از

7 | طرف والدین است که یکی از آن‌ها انتخاب نام شایسته است. امیر المومنین علی (ع) می‌فرماید: ((نخستین نیکی هر کس در حق فرزندش نام نیکو گذاشتن است. پس هر کدام از شما برای

فرزندانتان نام نیکو انتخاب کنید.)) (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۲). امام فرمود: انتخاب نام شایسته و نیکو به لحاظ آثار تلفیق و تأثیری که در شخصیت و روحیه کودک دارد حائز اهمیت می باشد. چه بسا انتخاب اسامی نظیر صفات خداوند و با اسامی شخصیت های بزرگ و پیشگامان تقوا و فضیلت به جهت آثار تلفیقی آن در رفتار و خلیات کودک مؤثر باشد و احساس نزدیکی به آن ها کند و سبب تقویت اعتماد به نفس او گردد. همچنین انتخاب نامناسب اسم سبب عدم اعتماد به نفس و تضعیف روحیه در کودک شود، اسم نامناسب باعث می شود که کودک مورد تمسخر و استهزاء بعضی از همسالان خود واقع شود و در نتیجه بر روی تعامل و معاشرت وی اثر می گذارد و همواره از حضور در جمع هراس داشته و سبب احساس حقارت و اضطراب او گردد. این احساس بقول آدلر منشأ اختلافات رفتاری و روانی است و فرد برای جبران آن ممکن است به پر خاشگری و رفتارهای نامناسب زند.

۲- معاشرت و مجالست

انسان موجودی اجتماعی است، اهل معاشرت و بدین صورت به نیاز خود که اثرگذاری و تأثیرپذیری است پاسخ می دهد. معاشرت و مجالست با دیگران تأثیر متقابل بر یکدیگر دارد. به همین جهت انتخاب فردی که با او تعامل برقرار می کند یک عامل مؤثر در تربیت اخلاقی اوست. کودک همانند سایر انسان ها نیاز به معاشرت با دوستان دارد و به عنوان یک نیاز طبیعی نمی شود از آن صرف نظر کرد. امام علی (ع) در سفارش به حارث همدانی می نویسد: ((وَاحْذَرْ صَاحِبَهُ مَنْ يَقْبَلُ رَأْيَهُ، وَ مُنْكَرَ عَمَلِهِ، فَإِنَّ الصَّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ؛ از دوستی بایی خردان و خلاف کاران پرهیز زیرا هر کس را از آن که دوست اوست می شناسند)). نتیجه دوستی، فقط معاشرت و رفت و آمد و گفت و شنود نیست، بلکه آثار بیشتر و مهم تری بر آن مترتب می شود و آن تأثیری که در بین آن ها انجام می گیرد. انسان دوست خود را الگوی گیرد و از رفتار من تقلید می کند، به او اعتماد می نماید و گفتارش را باور می کند و همسان و همرنگ او می شود (امینی، ۱۳۶۷). امام

علی (ع) به امام حسن (ع) در این سفارش تأکید به انتخاب درست مناسب و دوری از افراد شرور و نامناسب به لحاظ تأثیر بسزایی که در تربیت اخلاقی دارد، می‌کند. از منظر حضرت هم‌نشینی با خوبان معاشرت کردن، زمینه رشد و پرورش فضایل اخلاقی را در انسان فراهم می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: ((مُحَاسِنَةُ الْأَخْيَارِ تَلْحَقُ الْأَثَرُ بِالْأَخْبَارِ مَحَالَهُ الْأَبْرَارِ لَا فَحَّارَ تَلْحَقُ الْأَبْرَ بِالْفَجَّارِ؛ هم‌نشینی با خوبان، بدان را به خوبان ملحق می‌کند و هم‌نشینی نیکان با بدان، نیکان را به بدان ملحق می‌سازد)). امام علی (ع) در احادیث و روایات مختلف توصیه به ارتباط با افراد صالح و صاحب عقل و اندیشه دارد و پرهیز از افراد فاسد اخلاق دارد. چرا که معاشرت مجالست و ارتباط با هر یک از آن‌ها زمینه سعادت و خوشبختی و شقاوت و بدبختی را فراهم می‌آورد. حضرت می‌فرماید: ((عِمَارَةُ الْقُلُوبِ فِي مَعَاشِرَةِ الْعُقُولِ؛ آبادی دل‌ها در معاشرت با صاحبان عقل و خرد است)). معاشرت با افراد فاسد اخلاق و مشاهده رفتارهای زشت باعث عادی شدن این رفتار می‌گردد. پس از بین می‌رود زیرا ممکن است او هم این رفتار را تکرار کند. تعامل با این گونه افراد سبب بدبینی نسبت به دیگران می‌گردد که بدبینی و سوء ظن از رذایل می‌باشد. در نتیجه مربیان کودکان را در امر انتخاب درست هم‌نشین، یاری نمایند و شرایط درستی با افراد صالح و موجه را تا آنجا که ممکن است فراهم نمایند. و نیز نظارت و کنترل خود را همواره به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر رفت و آمدها معاشرت‌ها و مجالست‌ها داشته باشند.

۳- الگوسازی

در این روش، نمونه‌ی عینی و قابل تقلید در برابر کودک قرار می‌گیرد و او سعی می‌کند در همه چیز، خود را همانند الگوی مطلوب سازد (دلشاد تهرانی). کودک با توجه به قدرت یادگیری و حس تقلید که در وجودش هست، از همان سال‌های اولیه زندگی، تحت تأثیر رفتار افراد به‌خصوص پدر و مادر قرار می‌گیرد و از آن‌ها پیروی می‌کند. تلقی کودکان از والدین در سال‌های نخست، به نقش الگویی آنان در جهت مثبت یا منفی دامن می‌زند، زیرا کودکان در

این ایام همه چیز را وابسته به والدین می دانند. این روش یکی از بهترین روش های تربیت اخلاقی است، زیرا کودک می تواند مفاهیم اخلاقی را در الگو و اسوه به وضوح مشاهده کند و از آن پیروی نماید. بنابراین اساس رفتار و چگونگی سنجایی اطرفیان کودک، در تکوین شخصیت و رفتار وی تأثیر فراوان دارد. یکی از روش هایی که در اصل اصلاح شرایط می توان از آن بهره گرفت الگوسازی است. معرفی الگوهای شایسته در محیط و طرد الگوهای ناشایست از جمله شیوه های ایجاد محیط تربیتی مناسب کودکان می باشد. روش الگویی یا به عبارت دیگر آموزش غیر مستقیم، روش بسیار مهم و فراگیر است برای تمام افراد و در کلیه سطوح قابل اجرا، در بین موجودات است هیچ موجودی به اندازه فرزند انسان تقلیدپذیر نیست، بسیاری از شیوه های رفتاری و گفتاری و حتی شیوه های فکری او به صورت تقلیدی است. چه در کارهای خوب و چه در کارهای بد، را بر اساس تقلید از دیگران انجام می دهیم. مهم این است چه الگویی انتخاب کنیم. با توجه به نقش الگو در ایجاد رفتارهای مطلوب انتخاب الگو مهم است. هر چه الگوی جذب تر باشد، این روش از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود. علاوه بر الگوهای زنده که محیط تربیتی مساعد را ایجاد می کنند، مربیان می توانند با معرفی الگوهای اخلاقی و انسانی اسطوره ای آنان را دوباره زنده کنند (سیف). امام علی (ع) در این باره می فرماید:

((إِلَّا فَالْحَذَرَ مَنْ طَاعَهُ سَادَاتِكُمْ وَ كَرَأَيْكُمْ الَّذِينَ تَكْبُرُونَ عَنْ حَسَبِهِمْ وَ تَرْفَعُونَ فَوْقَ نَسَبِهِمْ وَ الْقَوَا
الْهَجِينَةَ عَلَى رَبِّهِمْ وَ اللَّهُ عَلَى مَا صَنَعَ بِهِمْ وَ لَا تَطِيعُوا الْأَعْيَاءَ الَّذِينَ شَرِبْتُمْ بِعَفْوِكُمْ كَدَرَهُمْ وَ
خَلَطْتُمْ بِصَحَّتِكُمْ مَرَضَهُمْ وَ آدَخَلْتَهُمْ فِي حَقِّكُمْ بَاطِلَهُمْ وَ هُمْ أَسَاسُ الْفُسُوقِ؛ آگاه باشید!
هشدار! پیروی کردن از بزرگان و شخصیت هایی که بیش از موقعیت اجتماعی و خانوادگی خود
انتظار دارند کسانی که با گناه کردن بر خدا طغیان کردند و با همه نشانه های روشن، خدا را انکار
کردن. از افراد پست پیروی نکنید کسانی که از اخلاص شما سوء استفاده می کنند و سلامت
اخلاق شما را با اخلاق مریض گونه خود درهم آمیخته اند. باطل شان را با حق شما مخلوط

کردند. این ریشه و اساس گناهان می باشند). حضرت علی (ع) در بیاناتش می فرمایند: وجود الگوهای مناسب می تواند در ساخت شخصیت افراد مؤثر باشند و آنچه که ضروری به نظر می رسد وجود الگوست. از نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، مهم ترین نوع یادگیری انسان را یادگیری مشاهده ای می داند که همان تقلید با سرمشق گیری است، فرد با انتخاب یک الگو یا سرمشق به تقلید رفتار آن می پردازد (بندورا، ۱۹۷۸). پدر و مادر و سپس معلمان و مربیان نیز نخستین الگوهای کودکان هستند، نکته مهم این است که افراد دارای موقعیت و تخصیص بالا و یا دارای تعالی معنوی غالباً نظر دیگران را به خود جلب می کنند و برای آنان سرمشق و الگوی می شوند. هر رفتار اخلاقی که از پدر یا مادر سرزند، کودک پسر با پدر و کودک دختر با مادر همانندسازی می کند و از او تقلید می کند در نتیجه الگو باید مواظب رفتارهای خود باشد. امام علی (ع) می فرمایند: ((اِلْتِاسَ صَغِيرَ كُمْ بِكَبِيرَ كُمْ ، وَكَيْفَ كَبِيرَ كُمْ بِصَغِيرَ كُمْ)) باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنند. بزرگ سالان شما نسبت به خردسالان مهربان باشند)) (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶). ارائه الگوی عملی به متربیان می تواند در تربیت اخلاقی آن ها مؤثر واقع شد. به طوری که حضرت علی (ع) به شیوه های گوناگون نقش الگویی رسول گرامی اسلام و خود را برای مردم گوشزد نموده و همچنین باعث شد که اصحاب علی (ع) با پیروی شیوه های رفتاری ایشان به مراتب بالایی از اخلاق و تربیت نائل آیند.

۴- احترام گذاشتن

بزرگداشت و احترام شخصیت برای هر انسانی یک نیاز طبیعی است. که در اثر غریزه حب ذات در طبیعت انسان نهاد شده. انسان به ذات خویش علاقه دارد، میل دارد دیگران نیز شخصیت او را بپذیرند و گرامی بدارند. چنانچه این نیاز طبیعی تأمین گردد، خود احساس آرامش می کند، و به نفس خویش اعتماد می کند و احساس خود باروری و با ارزش بودن را کسب می نماید و استعداد های نهفته اش شکوفا می شود. و احترام گذاشتن نوعی خود امر اخلاقی است و آن ها که

مورد بی احترام قرار گیرند انگیزه بیشتری برای انجام اعمال غیر اخلاقی دارند. مولا علی (ع) در این ارتباط می‌فرماید: ((مَنْ شَرَفَتْ نَفْسَهُ تَرَهُمًا، عَنْ ذَلَّةِ الْمَطَالِبِ؛ هر کس به شرافت خویش توجه داشته باشد آن را از ذلت در تعلّقات نفسانی باز می‌دارد)). انسان که خودش را بشناسد و به ارزش‌های وجودی خویش پی برده است و شأن و مقام آن را درک کرده باشد، حاضر نمی‌شود با رفتارهای ناپسند و بی‌ارزش به مقام انسانی خود بی‌حرمتی کند سهمی در حفظ حرمت و احترام آن دارد. امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده: ((مَنْ كَرِمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْنُهَا بِالْمَعْصِيَةِ؛ هر کس که نفس خویش را گرامی بدارد او را به ذلت معصیت نمی‌کشاند)). در من واقعی انسان چون از جنس حقیقت و برخوردار از قداست آسمانی است، با کذب، ناراستی، اسارت در پستی دست و پا زدن در جهل و نادانی و شهوت سازگار است و از همین رو انسان هوشیار از هر گونه رذایل اخلاقی که با عزت و غیرت از مناجات داشته باشد، بیزار است. در مقابل افرادی که حاضر نیستند ارجمندی و ارزشمندی خود را با رفتارهای پست اخلاقی از دست بدهند، افرادی هستند که بنا به فرموده امام علی (ع): ((کسی که احساس زبونی و فرومایگی کند، شراقت شگرف خویش را باور نداشته باشد، از ارتکاب هر گونه رفتار ناپسند اخلاقی باکی ندارد)).

۵- تعافل

این روش مبتنی بر اصل کرامت نفس است و به این معنا است که فرد از چیزی باخبر باشد ولی عملاً خود را بی‌اطلاع و غافل نشان دهد. این روش اگر درست بکار برده شود نقش مؤثری در تربیت اخلاقی از راه حفظ عزت نفس فرد ایفا می‌کند (نهج‌البلاغه). در این روش زمانی که خطای کودک ثابت شد ولی برای اولین دست به دزدی بزند و والدین او آگاهانه خود را به غفلت بزنند، و به روی او نیاورند و شرایط را برای اصلاح فراهم نمایند، باعث خواهد شد که شخصیت حرمت کودک حفظ شود و زشتی عملش را درک نموده و از تکرار آن خودداری خواهد کرد. ولی اگر متوجه شود که دیگران از عمل او آگاه گشته‌اند، قبح آن ریخته خواهد

شده و این عمل غیر اخلاقی و رفتار بزهکارانه تکرار می شود روان شناسان و آسیب شناسان اجتماعی می گویند: هر انسانی ممکن است یک بار تجربه بزهکاری را داشته باشند ولی کاملاً آن آدمی بزهکار می شود که برچسب بزهکاری بر روی او زده شود (نهج البلاغه).

بر اساس این روش از برچسب زدن جلوگیری می کنیم و فرصت را برای اصلاح به وجود می آوریم. چشم پوش و حمل بر صحبت و تفسیر نیکوترین وجه پیش از مسلم شدن خطا، اگر قرائنی و احتمالاتی بر توصیه خطا بود می توان از این روش تفاضلی که یک اصل مسلم در فقه اسلام است استفاده کرد. علی (ع) فرموده است: ((تَعَاوَلْ يَحْمِدُ أَمْرُكَ؛ از لغزش های مردم تعافل کن کارت ستوده می گردد)). (غررالحکم، ۱۳۶۲، ص ۳۵۷)

امام علی (ع) فرموده: ((عَظُمُوا أَقْدَارُكُمْ بِالْتَّعَاوُلِ عَنِ الدَّنَى مِنَ الْأُمُورِ؛ با تعافل کردن از چیزهای کوچک خود را بزرگ کنید و بر قدر و منزلت خویش بیفزائید)). (تحف العقول، ص ۲۲۴)

همان طور که مولای علی (ع) بیان داشته با این روش مربی با تعافل عزت نفس کودک حفظ شده و در پرتوی آن اعمال غیر اخلاقی در کودک کاهش می یابد و از بین می رود.

۶- ترکیه یا تهذیب نفس

پایه و اساس صفات و رفتارهای تربیتی نفس است (صیفحه السجادیه، ۱۳۶۴). تقریباً همه فضیلت های روانی و رفتاری از نفس قوی صادر می شود و به میزانی که در هر جنبه ای، نفس تقویت شود و توانمندی آن بر اتصاف و انجام فعل بیشتری گردد. فرد بیشتر به فضائل روی می آورد و کمال شایسته برای خود ایجاد می کند (همان). ضعف و زیونی نفس و احساس ناتوانی و اضطراب در خود، باعث رفتارهای ضد اجتماعی می شود، به همین جهت بر ضرورت و اهمیت ترکیه و تهذیب توصیه می شود.

تزکیه و تهذیب نفس روشی است که انسان را از بند اسارت نفس جدا می‌کند و عقل او را آزاد می‌گرداند. امیر المومنین (ع) فرمود: ((مَنْ لَمْ يَهْذَبْ نَفْسَهُ لَمْ يَنْتَفِعْ بِالْعَقْلِ ؛ هر کس نفس خود را تهذیب نکند از عقل بهره نمی‌برد)). کسی که به تهذیب نفس می‌پردازد در او بصیرت ایجاد می‌شود. بصیرت عبارت است از آگاهی که در آن خطا وجود ندارد و کسی که آگاه گشت دچار رذایل اخلاقی نمی‌گردد و اینکه وقتی در مسیر تزکیه قرار می‌گیرد چنانچه دچار لغزش و خطا شود خود را سرزنش می‌کند. در روش تزکیه فرد خدا ترس می‌شود یعنی وقتی که به یاد خدا می‌افتد، می‌ترسد البته این ترس از این جهت است که آگاهی و شناخت از خدا دارد و وظایفی را که به عنوان بنده دارد کوتاهی نموده، به یادش می‌آید. چنین انسانی که درصدد تهذیب خود برنیاید کمتر از عقل خود بهره می‌برد و اسیر نفس خود می‌شود و دچار رذایل و زشتی‌ها می‌گردد و خود را تباه می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: هوای نفس خویش را در برابر شهوات بشکنید و به هنگام سرکشی نفس، آن را بازدارید، زیرا نفس همواره انسان را به بدی‌ها امر می‌کند مگر آنچه را خداوند رحم کند. یکی از برنامه کمال سعادت برای همه انسان‌هاست بازدارندگی نفس در انسان زنده شود و به دنبال آن انسان راه اطاعت الهی و پیروی از دستورات کتاب و سنت را پیش گیرد و به مبارزه با فساد و زشتی‌ها و توطئه‌های دشمنان با قلب و دست و زبان برخیزد و بت هوای نفس را بشکند، چنین انسانی، انسان کامل است (نهج البلاغه، خطبه ۹۰) می‌دانیم بزرگان علما و مفسران با الهام از آیات قرآن مراحل سه گانه‌ای برای نفس فائل شده‌اند: نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه. نفس اماره را اشاره به هوا و هوس‌های سرکش می‌دانند که پیوسته انسان را به بدی‌ها امر می‌کند و نفس لوامه را به حالت ندامت حاصل از گناه بر اثر پرورش روح تقوا اشاره می‌دانند و نفس مطمئنه به مرحله تکامل روح انسان گفته می‌شود که به مرحله‌ای می‌رسد که هوا و هوس‌های نفسانی به طور کامل تحت کنترل قرار می‌گیرند و سرکشی آن‌ها ناممکن می‌شود ((غررالحکم، ۱۳۶۲).

۷- روش تمرین، تکرار و عادت دادن

در این روش منظور آن است که با تکرار و تمرین می‌توان به مرتبه‌ای رسید که فضائل اخلاقی تبدیل به ملکات اخلاقی شوند، اعمال و رفتارهای انسانی ثمره خلق و خوی درونی است و تکرار آن، سبب عادت می‌شود و در نتیجه تکرار یک رفتار خوب اخلاقی به تدریج درونی می‌شود و ادامه آن سبب پیدایش ملکه اخلاقی می‌گردد. امام علی (ع) ((الْعَادَةُ طَبْعُ ثَانٍ؛ عادت طبیعت و سرشت در انسان است)) بر اساس فرمایش حضرت، عادت جزئی از طبیعت آدمی است و عادت پسندیده بخشی از طبیعت و سرشت انسان است. شهید مطهری نیز معتقد است تشکیل ملکات اخلاقی از فضائل انسانی است، به صورتی که طبیعت ثانوی از او شود و این همان عادت است اگر متر بی‌بخواهد به اخلاق پسندیده آراسته شود، باید آن را بر اثر تکرار و تمرین عمل تأکید کند. حضرت امیر المومنین (ع) فرموده: ((عَوْدَ لِسَانِكَ لِيَنَّ الْكَلَامَ بِذَلِكَ السَّلَامَ يَكْثُرُ مَحْبُوكٌ وَ يَقُلُّ مَغْضُوبٌ؛ زبانت به نرمی سخن گفتن و سلام کردن عادت بده تا دوستانت بسیار و دشمنانت کم شود)) و یا اینکه در مورد فضیلت انسان می‌فرماید: عادت به احسان، سرمایه موفقیت و قدرت است همان طور که عادات خوب و حسنه باعث رشد و تعالی اخلاقی می‌شود. عادت و خو گرفتن به رذایل و تکرار آن سبب خوداری و فاصله گرفتن از ارزش‌های انسانی و اخلاقی می‌شود. لذا مریبان باید سعی کنند که از تشکیل عادات ناپسند در متر بی‌جلوگیری شود. چرا پیشگیری از درمان آسان‌تر است و غلبه بر آن مشکل و تلاش و کوشش بسیار می‌خواهد به‌طوری که امام علی (ع): ((غلبه بر عادت را یک فضیلت دانسته است؛ الْفَضِيلَةُ غَلْبَةُ الْعَادَتِ)) (و نیز آن را بالاترین عبادت هم می‌داند؛ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ غَلْبَةُ الْعَادَتِ)).

۸- محاسبه

- محاسبه به معنی رسیدگی به حساب خویش است (فرهنگ لغت معین، ۱۳۷۷). منظور این است 15 |
که هر کس در پایان هر روز، هر هفته، ماه و سال به محاسبه کارهای خویش بپردازد و عملکرد

خود را در زمینه خوبی‌ها و بدی‌ها، اطاعت و عصیان، خداپرستی و هواپرستی مورد بررسی قرار دهد و همانند یک حسابرسی که به مسائل سالی شرکت می‌رسد و زیان را برآورد می‌کند، همین کار را در مورد اعمال و اخلاق خویش انجام می‌دهد. محاسبه نفس شیوه‌ای که تداوم در عمل را میسر کند. در قرآن آمده که می‌فرماید: ((وَأَنْ تَذُوبُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تَخْفَوْهُ يُحَاسِبُكُمْ بِهِ اللَّهُ؛ اگر آنچه در دل دارید، آشکار کنید یا پنهان نمایید خداوند شما را بر طبق آن محاسبه می‌کند)).^۱ در آیات متعدد در قرآن اشاره به رسیدگی حساب خود و حساب پس دادن به خداوند آمده است که پیام آن به انسان، غافل نشدن از خود است. چرا که وقتی انسان به حساب خود نرسد و از خود غافل شد و خود را فراموش کرد، خدا را نیز فراموش می‌کند و گرفتار گرداب رذایل اخلاقی است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: ((عِبَادَ اللَّهِ، زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَوْزَنُوا، وَحَاسِبُوا مَنْ قَبْلَ أَنْ تَحَاسِبُوا وَتَنْفِسُوا قَبْلَ ضَيْقِ الْخِتَاقِ، الْقَادُوا قَبْلَ عَنَفِ السِّيَاقِ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يَنْ عَلَى أَنْفُسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَعِظٌ وَزَحْرٌ لَمْ يَكُنْ مِنْ غَيْرِهَا لَا زَجَرَ وَلَا وَعِظٌ؛ بندگان خدا را بسنجند قبل از آن که مورد سنجش قرار گیرند، پیش از آنکه حسابتان را برسند و پیش از آنکه راه گلو گرفته شود نفس را راحت بکشید و پیش از آنکه با زور شما را به اطاعت وادارند، فرمان‌بردار باشید. بدانید همانا آن کس که خود را یاری بکند و پند دهد و هشداردهنده خویش نباشد، دیگران هشداردهنده و پند دهنده نخواهد بود)). امیر مؤمنان علی (ع) در حدیثی در این ارتباط می‌فرماید: ((مَنْ حَاسِبَ نَفْسَهُ وَقَفَ عَلَى عَيْبِهِ وَاحْطَ بِذُنُوبِهِ، وَاسْتَقْبَلَ الذُّنُوبَ وَأَصْلَحَ الْعُيُوبَ؛ کسی که محاسبه نفس خویش را کند، برعیوب خویش واقف می‌شود، و از گناهش با خبر می‌گردد و از گناه توبه می‌کند و عیوب را اصلاح می‌نماید)). شیوه محاسبه، به این صورت که از ابتدای روز شروع کند و با بررسی اعمال و رفتاری که از او سر زده به ارزیابی آن‌ها می‌پردازد که آیا مطابق با ملاک‌های اخلاقی بوده است؟ همان‌طور که بیان شد محاسبه و

حسابرسی باعث آگاهی و شناخت فرد از عیوب و رذایل خویش می‌شود و زمینه اصلاح و سعادت خود را فراهم می‌کند.

۹- موعظه

تذکر و موعظه از روش‌های تربیتی است که با روح و احساس و گرایش‌های فطری مخاطب سر و کار دارد و مانع از فراموشی در فرد می‌شود (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۳).

از آنجا که در کودکی، فراموشی بیشتر از هر زمان دیگری اتفاق می‌افتد، تذکر و یادآوری مکرر درخواست‌ها ضرورت می‌یابد. اگر کودک بارها آنچه را به او گفته شده است فراموش کند، نباید بی‌طاقت شود، زیرا نقش اصلی مربی «تذکر» است. در این دوران «قصه‌گویی»، از مؤثرترین روش‌ها است که می‌توان برای موعظه کردن کودک از آن به شکل مطلوبی بهره برد و با توجه به صفات و خصوصیات کودک در این سنین قابل استفاده است. در این زمینه می‌توان از قصه‌های قرآنی، تاریخی و حتی قصه‌های خیالی با هدف عبرت‌آموزی استفاده نمود.

موعظه از نظر ویژگی‌های ظاهری نیز باید خصوصیتی داشته باشد که در نهج‌البلاغه به آن اشاره شده است مثل:

۱. شفقت و خیراندیشی موعظه‌گر باید در گفتارش مشخص باشد.

۲. زبان موعظه باید نرم باشد تا لجاجت را مهار کند.

۳. پند و اندرز در ابتدا باید به دور از جمع صورت گیرد.

امام علی (ع) فرموده: چنانچه عالم به علم خود عمل نکند، موعظه از دل‌ها فرو می‌چکد، چنان

که باران بر سنگ صاف می‌لغزد بنابراین موعظه یکی از روش‌های مؤثر در تربیت اخلاقی است. موعظه‌ها عامل بازدارنده از کجی و پلیدی و رذایل اخلاقی است، شرایط گرایش به فضائل و

خوبی‌ها را در فرد ایجاد می‌کند و او را نسبت به رفتار و اعمالش آگاه می‌سازد. امام علی (ع) می‌فرماید: ثمره الموعظه الانبیاء؛ نتیجه موعظه بیداری است)).

موعظه، فطرت انسان را بیدار می‌کند، در دل می‌نشیند و بر دلیل و برهان و امر و نهی بیشتر تأکید دارد.

موعظه از روش‌های مؤثر برای تربیت اخلاقی است که برای به وجود آوردن فضائل و از بین بردن رذایل و با در نظر گرفتن شرایطی که بیان شد می‌تواند مفید واقع شود. اگر متربی بخواهد رذیله دروغ‌گویی متربی خود را از بین ببرد اولاً باید الگوی مناسبی برای متربی باشد و تا به حال از او گفتار دروغ‌نشینده باشد، ثانیاً! موعظه را چنان بیان کند که قابل فهم و متناسب با فکر و اندیشه متربی باشد. همچنین می‌تواند آیات و روایاتی در مذمت و عوارض دروغ‌گویی که متناسب با وضعیت فکری متربی دارد، بیان کند که سپس اشاره به موقعیت دروغ‌گویی در زندگی اجتماعی نمایند که مردم به او چگونه نگاه خواهند کرد و همچنین به آثار مثبت راست‌گویی و پرهیز از هم‌نشینی با افراد دروغ‌گو اشاره نماید (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۴).

۱۰- عبرت‌آموزی

ریشه کلمه عبرت به معنی گذشتن است (المفردات، ۱۳۶۳). عبرت گذشتن از محسوسات و معقولات از مشهودات به نامشهودات، از ظاهر به باطن، از بدی‌ها و خوبی‌ها، از زشتی‌ها به زیبای‌هاست (دلشاد تهران ۱۳۶۷، ص ۴۷۱).

روش عبرت به انسان بصیرت می‌دهد که خود را از غفلت برهاند و از رذایل اخلاقی به فضائل اخلاقی و از هلاکت به سلامت برسد. امام علی (ع) فرمود: ((فَاتَّعْظُوا بِالصَّبْرِ، وَاعْتَبِرُوا بِالْغَيْرِ، وَانْتَقِمُوا بِاللَّذَرِّ؛ پس آنچه عبرت است پندگیر، و از گردش روزگار عبرت‌پذیر، و از بیم دهندگان سود برگیر))، در این روش متربی می‌آموزد که از آنچه بر دیگران گذشت، درس

گیرد و خطای دیگران را تکرار نکند و خود را از طریق کسب آگاهی حفظ نماید، تا سبب کاهش و اصلاح رذایل و لغزش های اخلاقی گردد. همان طور که حضرت فرمود: ((الاعتبار لیمَر العَصْمَة؛ عبرت گرفتن، حفظ از گناه را نتیجه می دهد)) اگر انسان عبرت پذیر شود و از حوادث روزگار بیاموزد، زمینه های پیشگیری و حفظ خود را فراهم نماید. انسان به دنبال سعادت است و کسب فضائل و از بین بردن رذایل راهی برای رسیدن به آن می باشد. و اندیشیدن و تفکر بر حوادث و روزگاری که بر دیگران گذشته، کمک می کند که انسان، خود را به سلامت طی کند و مسیر را هموار گرداند. این روش انسان را آگاه و بینا می کند. امام علی (ع) در این ارتباط می فرماید: ((عبرت بیم دهنده ای خیرخواه است، هر کس بیندیشد، عبرت می گیرد، و هر که عبرت گیرد، خود را دورنگه می دارد و هر که خود را از بدی ها دور نگه دارد، سلامت مانده)). رشد و کمال آدمی در پرتوی معرفت و دانشی است که برخاسته از آگاهی و بینایی است، گرفتن عبرت از گذشته دیگران می تواند عامل مؤثر برای کسب آگاهی گردد و سبب رشد انسان شود. امام علی (ع) فرموده: ((الاعتبار الی الرُّشد؛ عبرت گرفتن به سوی رشد می کشاند)).

قرآن کریم از داستان در جهت تربیت اخلاقی انسان ها، فراوان استفاده کرده است داستان در همه مراحل سنی مفید و مورد توجه است، البته محتوای داستان باید متناسب با سطح اطلاعات کودک باشد. در داستان های قرآنی، علاوه بر تحریک عواطف، پرورش تعقل و خردمندی نیز وجود دارد. و داستان قرآن روابط اخلاقی میان انسان ها به وضوح ترسیم می کند و درنهایت این فضائل اخلاقی است که پیروزمندانه از میدان به در می آیند و پستی ها و فرومایگی ها سیه روی می گردد. راه دیگر عبرت آموزی مشاهده آثار گذشتگان است، تاریخ سرشار از وجود کسانی است که بار خطایی را به دوش گرفته و در مسیر نادرست پیش رفته اند. تأمل و تعمق در آثار به جای مانده گذشتگان ما را متقاعد می سازد، که برای کناره گرفتن از هر خطایی، لازم نیست

حتماً خود تجربه کنیم. امام علی (ع) یکی از راه‌های درمان رذایل اخلاقی را عبرت از سرنوشت گذشتگانی که این مسیر را رفته‌اند توصیه می‌کند.

۱۱- عفو و مبالغه

در این روش لازم است که خطای کودک مورد عفو و مبالغه قرار گیرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ((دُعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مَن ذُنُوبِكُمْ وَ يُوَفِّوْكُمْ مَّالِيَ اَجَلٍ مُّسَمًّى؛ خداوند شما را به آمرزش از گناهان فرا می‌خواند و می‌خواهد از تعجیل در عقاب درگذرد)).^۱

امیرالمؤمنین علی (ع) به امام حسن (ع) فرمود: ((فَإِذَا اسْتَحَقَّ أَحَدُ مِنْكَ ذَنْبًا فَإِنَّ الْعَفْوَ مَعَ الْعَدْلِ أَشَدُّ مِنَ الصَّعْبِ لِمَنْ كَانَ لَهُ عَقْلٌ؛ اگر یکی از خدمتگزاری تو مرتکب خطایی شد و استحقاق کيفر دارد، عفو با رعایت عدالت از تنبیه بیشتر تأثیر دارد، البته در صورتی که عاقل باشد)).

عفو و گذشت در رشد کمال انسانی، سلامت روانی و بهبود روابط بین فردی مؤثر است. نادیده گرفتن اشتباه‌های دیگران، موجب می‌شود فرد به خداوند متعال تقرب پیدا کند. یکی از صفات خداوند عفو بودن است و همین امر موجب می‌شود بندگان از رحمت و شفقت او ناامید نگردند و به توبه کردن تشویق شوند (مجموعه مقالات، ص ۳۰۲) مریبان با استفاده از این روش به مریبی خود نزدیک می‌شوند چرا که در قلب او اثر می‌گذارد و نسبت به عفو کننده خود علاقه نشان می‌دهد و نیز یک رفتار اخلاقی را به صورت عملی به او یاد می‌دهد. امام علی (ع) در خطبه متقین زمانی که ویژگی‌های افراد پرهیزگار را برمی‌شمارد اشاره به عفو خطای دیگران می‌کند و می‌فرماید: ((يَعْفُوا أَعْمَنَ ظَلَمَهُ يَعْطَى مَنْ حَرَمَهُ وَيَصِلُ مَنْ قَصَعَكَ؛ ستمکار خود را عفو می‌کند به آن محروم‌ش ساخته می‌بخشد، به آن کس که با او قطع رابطه کرده می‌پیوندد، از منظر حضرت، یک مریبی متقی دارای خلق و خوی پسندیده است که از جمله خلقی او گذشت و رحمت است،

^۱ - (بحار الانوار، جلد ۷۷، ص ۲۷).

نگرش او با دیگران متفاوت است، به راحتی از خطای افراد می‌گذرد و نیز کینه‌ای به دل راه نمی‌دهد (مجتبوی) خداوند در قرآن می‌فرماید: ((أَخَذَ الْعَفْوَ وَأَمَّا بِالْعُرْفِ؛ عفو را فراگیر و نیکی امر کن!))! امام علی (ع) درباره عفو و گذشت و تحسین آن می‌فرماید: ((اقدام)) به عفو و گذشت، از اخلاق، افراد بزرگوار است)). افرادی که به رشد معنوی و اخلاقی بالایی رسیده باشند راحت تر از خطای دیگران گذشت می‌کنند.

توصیه‌هایی درباره عفو و گذشت:

۱. وقتی فردی را بخشید، بر او منت نگذارید.

۲. علت بخشش خود را بیان دارید و بگویید که کینه‌ای از آن‌ها به دل ندارید.

۳. بخشش و گذشت را در موضع قدرت انجام دهید، در غیر این صورت نه تأثیر اخلاقی، نه اجتماعی دارد. امام علی (ع) می‌فرماید: ((در اوج قدرت که فضیلت و برتری عفو و گذشت نمایان می‌شود)).

۱۲- مبالغه در تشویق

تشویق در لغت به معنای آرزومند کردن، به شوق افکندن و راغب ساختن است (فرهنگ معین، ۱۳۷۷). در این جا منظور از تشویق استفاده از امور مطلوب و مورد درخواست فرد، پس از انجام عمل برای افزایش یا تثبیت عمل است. بنابراین می‌توان تشویق را یک سیستم کنترل رفتاری دانست که به وسیله خود شخص یا دیگری که پس از عمل مطلوب برای افزایش رفتار اعمال می‌گردد. اصل فضل و رحمت ایجاب می‌کند که اگر از کودک، عمل اخلاقی مطلوبی سرزند، مربی آن را بی پاسخ نگذارد، بلکه باید گفت به اقتضای این اصل لازم است، پاداش از حد عدالت

در گذرد و مظهر فضل و رحمت باشد (باقری به نقل از همان). امام علی (ع) درباره نقش تشویق و پاداش در تربیت آدمی می‌فرماید: ((إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَضَعَ النَّوَابُ عَلَى طَاعَتِهِ وَالْعِقَابُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ ذِيَادَةَ الْعِبَادَةِ عَنْ نَقْمِهِ، وَحَيَاشَهُ لَهُمْ أَلَى جَنَّتِهِ؛ همانا خدای سبحان قرار داده پاداش را بر اطاعت، و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگان را از عذاب خویش باز دارد و به سوی بهشت روانه سازد)). در بیان امام پاداش بر طاعت اشاره به تقویت و افزایش رفتار اعمال صالح و عبادت و بندگی است که خداوند بهشت را وعده می‌دهد.

امام علی (ع) به مالک اشتر می‌نویسد:

((وَإِصْلَافِي حَسَنَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ، وَتَعْدِيدَ أَلْبَلِي ذَوِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الذِّكْرِ الْحُسْنِ أَفْعَالِهِمْ تَهْزِ الشُّجَاعَ، وَتَحْرِضُ النَّاكِلَ، أَنْ شَاءَ اللَّهُ؛ آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نماید و کارهای مهمی را که انجام داده‌اند بر شمار. زیرا یاد کردن کارهای آنان شجاعتان را برمی‌انگیزد و از کارمانده را به خواست خدا تشویق نماید)).

در این نامه حضرت به اهمیت تشویق تأکید دارد چرا که باعث حرکت و تقویت شجاعت که یک امر اخلاقی است می‌شود و از طرف دیگر، افراد که فعالیت کمتری در این امر داشته‌اند، با دیدن تشویق دیگران با انگیزه بیشتری به فعالیت می‌پردازند.

در تشویق نکاتی باید رعایت گردد که در سخنان امام علی (ع) نیز به بعضی از آن‌ها اشاره شده است:

۱. تشویق وسیله‌ای برای برانگیختن و تقویت است و نباید خودش به صورت هدف درآید و تمام ذهن و فکر کودک را به خود مشغول کند.

۲. علت تشویق باید برای کودک روشن باشد.

۳. تشویق، به موقع، به جا و به اندازه و متناسب باشد، تا کارایی و تأثیر داشته باشد.

۴. در تشویق نباید او را با دیگران مقایسه کرد و به او گفت چون رفتار تو برتر از رفتار دیگری بود، لذا تو را مورد تشویق قرار دادیم، که این عمل ناپسند می باشد و در متر بی حسن خود بزرگ بینی به وجود می آید که از رذایل اخلاقی است.

۴. در تشویق نباید زیاده روی کرد زیرا ممکن است موجب غرور و خود بزرگ بینی شود. امام علی (ع) می فرماید: ((چه با فردی که در اثر تقویت و تمجید به غرور مبتلاء شود)).

۵. اگر عهده ای با کودک می بندیم که اگر فلان رفتار را بکنی مورد تشویق قرار می گیری حتماً باید به وعده ای که داده ایم، عمل کنیم چرا که وفای به عهد خود از فضایل می باشد و این عمل مربی برای او الگو می شود و نیز به مربی اعتماد می کند. امام علی (ع) می فرماید: ((لَا يَصْلَحُ الْكَذِبَ جَدُّو لَا هَزْلَ وَلَا أَنْ يَعْدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَهً ثُمَّ لَا يَفِي لَدُم؛ شایسته نیست آدمی به جد یا شوخی دروغ بگوید، نیز سزاوار نمی باشد به فرزند خود وعده ای بدهد و به آن وفا ننماید)).

۱۳- روش توبه

توبه از ماده ناب و به معنایی رجوع و بازگشت است یعنی به معنای پشیمانی در گناه و بازگشت به طاعت و جبران بر ترک معصیت است (احمدی، احمد، ۱۳۶۳، ص ۱۴۵) خداوند در قرآن می فرماید: ((ثُمَّ نَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُمُ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ پس به آنان که توبه داد، تا توبه کنند. بی تردید خدا همان توبه پذیر مهربان است)).

توبه بازگشت از راه خطا، همراه با حسرت و ندامت است. و این راه ندامت و پشیمانی که پاک سازی از رذایل اخلاقی را ممکن می سازد. امیرالمؤمنین علی (ع) توبه را مقدم بر هر عملی می داند تا انسان شرایط عبودیت و بندگی را پیدا کند. امام علی (ع) توبه را پاک کننده گناهان

می‌داند و می‌فرماید: ((التَّوْبَةُ تَطْهَرُ الْقُلُوبَ وَيَفْسِلُ الذُّنُوبَ؛)) امام خمینی (ره) در مورد توبه می‌نویسد: توبه عبارت است رجوع طبیعت به سوی روحانیت نفس، بعد از آنکه به واسطه کدورت و نافرمانی نور فطرت و روحانیت محبوب ظلمت طبیعت شده است. نفس در بدو فطرت خالی از هر نحو کمال و جمال و نور بهجت است، چنانچه خالی از مقابلات آن‌ها نیز هست. گویی صفحه‌ای است خالی از مطلق نفوس نه دارای کمالات روحانی و نه متعصّب به اضداد آن‌هاست، ولی نور استعداد و لیاقت برای حصول هر مقامی در او به ودیعت گذاشته شده است و فطرت او بر استقامت و خمیره او مخمر به انوار ذاتیه است و چون ارتکاب می‌کند، به واسطه آن در دل او کدورتی حاصل می‌شود و هر چه معاصی بیشتر شود، کدورت و ظلمت افزون گردد تا آنکه یکسره قلب تاریک و ظلمانی شود و نور فطرت منطقی گردد و به شقاوت ابدی رسد. اگر در بین این حالات، قبل از فراگرفتن ظلمت تمام صفحه قلب را، از خواب غفلت بیدار شده و پس از منزل بقبله به منزل توبه وارد شود و خطوط این منزل را به شرایطی که اجمالی از آن در این اوراق انشاء الله ذکر می‌شود استیفاء کرد، از حالات ظلمانی و کدورات طبیعی برگشت می‌نماید به حال نور فطرت اصلی و روحانیت ذاتیه خود، گویی صفحه می‌شود باز خالی از کمالات و اضداد آن، چنانچه در حدیث شریف مشهور است: ((التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ؛ رجوع کننده از گناه مانند کسی است که گناه نداشته باشد)) (خمینی، روح ا....، ۱۳۶۲، چهل حدیث، ص ۲۶۶). امیرالمومنین علی (ع) نیز توبه را این گونه تعریف می‌کند: ((التَّوْبَةُ قَدَمٌ بِاَلْقَلْبِ، اِسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ، وَتَرْكٌ بِالْجَوَارِحِ، اِضْمًا وَ اَنْ لَا يَمُودَ؛ توبه عبارت است از پشیمانی قلبی و درخواست آموزش زبانی و ترک عملی و عزم بر بازگشتن به گناه)). (شرح غررالحکم، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۲۶)

حضرت درمورد ارکان توبه و شرایطش چنین بیان فرموده است: ((اِلِسْتِقْفَارٌ دَرَجَهَ الْعَالَمِينَ، وَ هُوَ اَسْمُ وَاَقَعٌ عَلٰی سِتِّهِ مَعَانٍ. اَوَّلُهَا اَلنَّدَمُ عَلٰی مَا سَخٰی، وَ الثَّانِي الْعَزْمُ عَلٰی تَرْكِ الْعَوْدِ اِلَيْهِ اَبَدًا وَ

الثالثَ أَنْ تودى إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمْلَسَ لَيْنَ عَلَيْكَ تَبِعَهُ فَتَدْبِيهِ بِالْآخِرِ أَنْ، حَتَّى تَلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ، وَيَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ، وَالسَّادِسَ أَنْ تَذِيقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةِ كَمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ؛ در استغفار مقام بلند مرتبگان است و آن یک کلمه است، اما شش مرحله است: نخست پشیمانی بر آنچه گذشت، دوم عزم بر ترک همبستگی بازگشت، سوم آنکه حقوق ضایع شده مردم را به آنان بازگردانی، چنان که خدا را پاک را دیدار کنی و خود را از گناه تهی سازی، چهارم اینکه حق هر واحد را که ضایع ساخته‌ای ادا کنی، پنجم اینکه گوشتی را که از حرام رویده است با اندوه‌ها آب کنی، چندان که پوست به استخدایم بچسبد و بیان آن در گوشتی تازه روید، وششم آنکه درد طاعت را به تن بچشانی، چنانچه شیرینی معصیت را چشاندی)))). (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷)

از دیدگاه امام علی (ع) در پرورش انسان صالح مؤمن که کمال مطلوب و دست پرورده‌ی آرمانی اسلام است، صلاحیت حرفه معلمی برای تربیت کودکان از دیدگاه امام علی (ع)، مهم‌ترین عامل به شمار آمده و به عنوان لوازم تعالی حیات روحانی آدمی معرفی شده است.

صلاحیت یعنی: سزاوار، شایسته، قابل پذیرش، توانا داشتن قابلیت و توانایی لازم برای انجام کار خاص.

صلاحیت معلمی: مجموعه شناخت‌ها، گرایش‌ها مهارت‌هایی است که معلم با کسب آن‌ها می‌تواند در جریان تعلیم و تربیت به پرورش جسمی، ذهنی، عاطفی و معنوی فراگیران کمک کند (ملکی، حسن، ۱۳۸۴).

معلم حرفه‌ای به تمامی برنامه‌های طراحی شده در راستای بهبود مهارت و دانش معلمان به منظور افزایش عملکرد آن‌ها در تدریس، تحقیق، مدیریت و پرورش گفته می‌شود. پیامبر (ص) چنان برای معلمان و مقام ارجمند آنان ارزش قائل بود که در دعاهايش می فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرِ الْمُعَلِّمِينَ

و أَطْلَ أَعْمَارِهِمْ وَ بَارَكْ لَهُمْ فِي كَسْبِهِمْ؛ خداوند! معلمان را بیامرز و عمر طولانی به آنان عطا فرما و کسب و کارشان را مبارک گردان!

آری، معلمی از خصوصیات انبیاء و از صفات محبوب آنان می‌باشد. در مقام پاسداشت از تلاش‌های معلمان سخنی بالاتر و زیباتر از کلام مولای متقیان، حضرت علی(ع) نمی‌توان یافت که فرمود: «مَنْ عَلِمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا؛ کسی که به من یک حرف بیاموزد، مرا بنده خود کرده است.» البته این شرافت و فضیلت برای معلم، زمانی ارزشمند است که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و با تمام وجود در جهت کمال جامعه به تعلیم و تربیت بپردازد.

بخش دوم: شرایط احراز صلاحیت مربیگری و معلمی برای تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی(ع)

۱- علم: حضرت علی بن ابیطالب(ع) می‌فرماید: دانش بیاموزید زیرا آموختن آن حسنه است، درس گفتن آن تسبیح است، بحث از آن جهاد است. آموزش آن به کسی که نمی‌داند صدقه است و برای اهلش وسیله تقرب به خداست. چون نشانه‌های حلال و حرام است و طالب خود را به راه‌های بهشت هدایت می‌کند. علم و دانش در وحشت انیس انسان است و در تنهایی همدم اوست، ۲- اعتقاد به مذهب حق: باید شیعه اثنی عشری و پاک‌دامن از بدعت‌ها باشد که اهل بدعت همه در ضلالت و گمراهی‌اند، ۳- عقل: مربی باید دارای عقل ذاتی و عقل معاش دنیوی باشد، ۴- سخاوت: باید به رفع مایحتاج زیردستان خود اقدام کند ۵- شجاعت: باید شجاع باشد و از ملامت مردمان و آزار ایشان نهراسد، ۶- عفت: باید عقیف النفس باشد تا مربی از او در واهمه نباشد و اعتقادشان در او تباہ نگردد، ۷- علو همت: باید همت بلند داشته باشد و از دیگران طمع مال نداشته باشد، ۸- شفقت: نسبت به دیگران مشفق و مهربان باشد و ایشان را به کارهایی که فوق طاقتشان است تکلیف نفرماید و بارفق و مدارا به کار و عمل تشویقشان کند و علاقه‌مندشان

سازد، ۹-حلم: باید حلیم و بردبار باشد و با ناملایمات از جای به در نرود، ۱۰- فروتنی و گذشت : از ویژگی های معلمان موفق، تواضع و گذشت آنان در مقابل خطاهای شاگردان می باشد. عفو و گذشت یک معلم از خطاهای متعلمین می تواند هم شخصیت معلم را در برابر دانش آموزان محبوب و دوست داشتنی جلوه دهد و هم درس عملی خوبی برای آنان باشد علی(ع) نیز فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ الْمُتَعَلِّمِينَ وَ ذَلَّ الْعُلَمَاءَ سَادَ بَعْلَمُهُ؛ هر معلمی که بر شاگردانش تواضع و فروتنی کند و در برابر دانشمندان خود را کوچک و پایین دست به حساب آورد، با دانش خود به آقایی می رسد» (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۶، ۱۱- حسن خلق: باید که خوش خلق باشد تا متریان از خلق درشت وی نرمند و از گردش پراکنده شوند و از او اخلاق نیک کسب کنند ۱۲- ایثار: باید که مصلحت متریان را بر مصالح خویش مقدم و مرجع بدارد، ۱۳- کرم: باید که در وی کرم و بخشش باشد، ۱۴- توکل: باید که با خداوند متوکل باشد و متریان را به سبب خوف معیشت از خویشتن نراند، ۱۵- تسلیم: باید که امور خود را به خدای خویش واگذارد، ۱۶- وقار: باید که با مریدان به عزت و وقار رفتار کند تا سنگینی وی مانع از گستاخی ایشان گردد و هیبت: باید که با هیبت خود در دل متریان شکوه خویش را حفظ کند تا نفس آنان از جلالت استاد و راهنمایی خود آرامش یابد.

ویژگی های صلاحیت حرفه ای یک معلم برای تربیت کودکان از دیدگاه امام علی(ع) شامل موارد زیر:

۱- اخلاص در نیت و عمل: ریشه اساسی اخلاص در نیت و عمل همان تصفیه و تزکیه و پالایش درون باطن از همه ی آلودگی هاست(کشف ۱۱۰).

۲- تقید به عمل صالح: امام علی (ع) می فرماید: (كونوا دُعاهِ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاهِ بِالسُّتُكْمِ)، امام علی(ع) همچنین می فرمایند: اثر تعلیم معلم بدون عمل صالح را به بارانی تشبیه

می کند که روی صخره می ریزد و بر روی آن می لغزد و تأثیری ندارد.

۳- حسن خلق و فروتنی: امام علی (ع) فرموده‌اند: (رَأْسُ الْعِلْمِ التَّوَاضُّعُ) مبدأ هر علمی فروتنی است.

۵- عالم به مقتضیات زمان: کودکان ما در هر زمانی موافق آن زمان باید تربیت شوند.

۶- توجه به مسئولیت معلمی و احساس مسئولیت (احساس بعثت) در همه حالات و زمان‌ها.

۷- ایجاد زمینه برای شکوفایی و رشد تفکر و تعقل و معنویت در کودکان. (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۵۶)

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه امام علی (ع) فرموده است: ((وَاسْكُنْ أَلَمَصَارَ الْعِظَامِ، فَأَنْهَا جَمْلَاعَ الْمُسْلِمِينَ وَ أَحْذَرْ مَنَازِلَ الْعَقْلَةِ وَالْجَفَاءِ وَقُلَّةَ الْإِخْوَانِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ)) در شهرهای بزرگ سکونت کن که جایگاه فراهم آمدن مسلمانان است و پرهیز از جاهایی که در آن از یاد خدا غافلند و به یکدیگر ستم می‌رانند و بر طاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی‌کنند (نهج البلاغه، نامه ۶۹). این بیانگر آن است که محیط بر روی انسان تأثیر دارد و لذا باید جهت تربیت اخلاقی انسان و اصلاح او به اصلاح شرایط اقدام کرد که از بیان امام علی (ع) حکایت اصلاح محیط دارد. پس بدین ترتیب اصل اصلاح شرایط به عنوان یک اصل تربیتی اخلاق کودک می‌تواند مورد قبول باشد. با توجه به فرموده حضرت علی (ع) که عزّت را در اطاعت و بندگی خداوند می‌داند. (أَذْ طَلَبْتَ الْغُرَّ قَاطِلَةً بِالطَّاعَةِ)) هر گاه خواهان عزّت شدی، آن را در اطاعت و فرمان‌برداری از خدا بجوی (شرح غررالحکم، جلد ۴، ص ۹۳). و در بیانی دیگر که می‌فرماید: ((لَعَزِيزٌ بَغِيرِ اللَّهِ ذَلِيلٌ)) عزیزی که عزتش از خدا نیست، ذلیل است (بحار النوار، جلد ۷۸، ص ۱۰). بیانگر آن است که انسان به واسطه ارتباط و بندگی که با خداوند دارد دارای عزت می‌باشد. لذا در تربیت اخلاقی می‌بایستی در جهت کسب عزّت اقدام نماید و چنانچه این ارتباط قطع گردد و از غیر خدا عزّت بخواهد

دچار رذایل می گردد. پس اصل عزّت به عنوان یک اصل تربیت اخلاق کودک می توان مورد قبول باشد.

همان طور که امام علی (ع) می فرماید: ((العقل أقوى أساس))، عقل نیرومندترین پایه هاست (غررالحکم، ص ۵۳). منظور این است که عقل به عنوان یک پایه و اساس برای هر عمل انسان می باشد. لذا تربیت اخلاقی نیز به عنوان یک اصل مدنظر قرار می گیرد که حضرت بدان اشاره فرموده است: ((أَلْعِلَّ يَنْبُوعُ الْخَيْرِ)) عقل سرچشمه همه خوبی هاست (همان، ص ۵۳). چون اخلاق نیک می تواند مصداق بارز خوبی ها باشد. در نتیجه اینکه ریشه فضایل اخلاقی عقل می باشد. با عنایت به بیان امام علی (ع) که فرموده: ((کار اندکی که بر آن مداومت کنی، امید بخش تر از کار بسیاری است که از آن ملول گردی)) (آرام، الحیاء، جلد ۱، ص ۳۴)، بیانگر این است که تداوم و استمرار در یک عمل سبب درونی شدن و تکرار آن عمل می گردد. لذا می توان به عنوان یک اصل تربیتی در تربیت اخلاقی در نظر گرفته شود. ذکر به معنی یادآوری است و یادآوری آنچه که انسان را از خود دور می کند و خود فراموشی که خدا فراموشی می آورد که زمینه سازی بدی ها و رذایل می گردد. با توجه به بیان حضرت که وظایف انبیاء را یادآوری نعمت ها و الطاف خداوند می داند و می فرماید: ((هر که قلب خود را به دوام یاد خدا آباد گرداند، کردارش در نهان و آشکار نیکو باشد از این بیانات نتیجه می گیریم که تذکر از دیدگاه امام علی (ع) جایگاه و منزلت بالایی برخوردار است و لذا باید در جهت تربیت اخلاقی کودک به عنوان اصل تربیتی بدان توجه نمود. رحمت و بخشش طریق بسیار مؤثری است و قدرت مهار زدن به بسیاری از خطاها را نیز دارد بر اساس اصل فضل، رفتار مربی در قید رفتار متری نیست، بلکه بر اساس رحمت اعمال می گردد. امام علی (ع) در بیانی توجه به فضل خداوند می کند و می فرماید: ((أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاسِعُ فِي الْخَلْقِ فَضْلُهُ وَ الْبَاسُ فِيهِمْ بِالْجُودِ)) ستایش خداوند را سزااست که احسان فراوانش برآفریده ها گسترده و دست کرم او برای بخشش گشود (

نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰). که بیانگر اهمیت فضل و بخشش از منظر حضرت می باشد. لذا در جهت تربیت اخلاقی می توان این فضل را به عنوان یک اصل تربیتی در نظر گرفت. با توجه به بیان امام علی (ع) که فرموده: ((اَلْعَدْلُ یَصْلِحُ الْبَرِیَّةَ)) عدل اصلاح کننده انسان است. و روایتی که از حضرت سؤال می شود عدالت برتر است یا بخشش که می فرماید: ((الْعَدْلُ یَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَلِجُودٌ یَخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌ وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌ، فَعَدْلٌ وَأَشْرَقُهَا وَأَفْضَلُهَا)) عدالت کارها را در جاهای خود قرار دهد و بخشش آن ها را از مسیرشان خارج می سازد. عدالت تدبیر کننده ای است که به سود همگان و بخشش سود خاصگان، بنابراین عدالت شریف تر و برتر است. بیانگر آن است که از دیدگاه حضرت اهمیت و جایگاه ویژه ای در تربیت داراست. لذا به عنوان یک اصل در تربیت اخلاقی می توان در نظر گرفت

پیشنهاها

الف - پیشنهاد کاربردی

۱. پیشنهاد می شود محور تربیت اخلاقی از منظر امام علی (ع) و سایر ائمه در برنامه های درسی گنجاده شود.
۲. محیط اخلاقی و تربیتی مناسب و اثرگذار در مدارس پیش بینی شود.
۳. از طریق برگزاری دوره های ضمن خدمت معلمان برای تربیت اخلاقی _ از منظر امام علی (ع) مانوس شود.
۴. از طریق رسانه ها و سایر عوامل و روش هایی آموزشی والدین دانش آموزان آمادگی بیشتری برای تربیت اخلاقی در بزرگسالی به دست آورد.

ب- پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. بررسی تطبیقی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی امام علی(ع) با اصول و روش‌های تربیت اخلاقی موجود در قرآن مجید؟

۲. بررسی تطبیقی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی امام علی(ع) با اصول و روش‌های تربیت اخلاقی موجود در صفیحه سجاده؟

۳. بررسی مبانی، اصول، هدف و روش‌های تربیت اخلاقی سخنان ائمه اطهار (علیه‌السلام).

۴. بررسی تطبیقی اصول و روش‌های تربیت اخلاقی امام علی(ع) با اصول و روش‌های تربیت اخلاقی روان‌شناسان غربی؟

منابع و مأخذ

احمدی، احمد، (۱۳۶۸). اصول و روش‌های تربیت در اسلام. تهران: جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی) بخش فرهنگی.

احمدی، سید احمد. (۱۳۸۰). اصول و روش‌های تربیت در اسلام. اصفهان: نشر جهاد دانشگاهی.

ادیب، علی محمدحسین. (۱۳۶۲). راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (ع). ترجمه سید محمد رادمنش. تهران: موسسه انجام کتاب.

ادیب، علی محمدحسین. (۱۳۶۲). راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی. ترجمه محمد رادمنش. تهران: موسسه انجام کتاب.

افشار، معصومه. (۱۳۷۶). مقایسه آموزه‌های تربیت اخلاقی از منظر پست مدرنیسم و تربیت اخلاقی. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

امینی، ابراهیم. (۱۳۷۶). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: سازمان انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی.

انصاری، محمد علی. (۱۳۶۲). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی فرازی. تهران: انتشارات ناصر خسرو،

انصاریان، حسین. (۱۳۳۶). فروغی از تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مهدی.

ایمانی، محسن. (۱۳۷۸). تربیت عقلانی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

آموزگار، محمدحسن. (۱۳۷۴). اخلاق و تربیت اسلامی. ترجمه محمدحسن آموزگار. تهران:

سازمان مرکزی انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

باقری، خسرو. (۱۳۶۴). نقد تطبیقی مبانی شیوه‌های تربیت اسلامی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

باقری، خسرو. (۱۳۷۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.

البحرانی، کمال الدین میثم بن علی بن میثم. (۱۳۶۲). شرح نهج البلاغه. قم. دفتر تبلیغات اسلامی.

بهشتی، محمد، (۱۳۸۰). علم النفس روانشناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان. ترجمه دکتر محمد عثمان نجاتی. تهران: انتشارات سمت.

پناهی، مهین. (۱۳۷۷). اخلاق متصرفه از خلال متون عرفانی. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

پور مقدس، علی. (۱۳۶۷). روان‌شناسی انگیزه و عواطف. تهران: انتشارات مشعل.

الجرجانی، علی بن محمد. (۱۳۰۶). التعریفات. ترجمه محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۵). و ترجمه نهج البلاغه، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی. جلد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷.

جمشیدیان، عبد الرسول. (۱۳۷۰). کرامت نفس در تربیت اسلامی. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

حجتی، محمد باقر. (۱۳۸۰). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

حجتی، محمد باقر. (۱۳۸۵). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

حرانی، ابن شعبه. (۱۳۸۰). تحت العقول. ترجمه احمد جنتی. تهران: انتشارات امیر کبیر.

خمینی، روح الله. (۱۳۶۶). اربعین حدیث یا چهل حدیث. تهران: انتشارات طه.

دشتی، محمد مهدی. (۱۳۸۳). سیمای پرهیزگاران. قم: موسسه فرهنگی تحقیقات امیر المومنین.

دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۷۹). ماه مهر پرور. تهران: انتشارات دریا.

دلشاد، تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۶). سیری در تربیت اسلامی. تهران: موسسه نشر و تحقیقات.

دولت آبادی، فاطمه. (۱۳۷۰). وجدان اخلاقی و شیوه پرورش آن. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۴). لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دهشیری، حسینی. (۱۳۷۰). نگرشی به تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

رشید پور، مجید. (۱۳۷۰). مبانی اخلاق اسلامی، تهران: انجمن اولیای مربیان جمهوری اسلامی ایران.

رهنما، اکبر. (۱۳۷۸). بررسی و تجزیه و تحلیل خاستگاه‌ها، غایت و روش‌های تربیت اخلاقی دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی. رساله دکتری، تربیت مدرس.

زرین پوش، فتانه. (۱۳۶۶). تربیت اخلاقی کودک در دوره دبستان، کارشناسی ارشد، تربیت مدرس.

زهادت، عبدالمجید. (۱۳۷۸). تعلیم و تربیت در نهج البلاغه. حوزه علمیه قم: مرکز انتشارات دفتر

سادات، محمدعلی. (۱۳۶۴). اخلاق اسلامی. تهران: انتشارات سمت.

سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۶). حکمت و معیشت. انتشارات: موسسه فرهنگ صراط. ج ۱ و ۲.

شرفی، محمدرضا. (۱۳۶۵). مقدمه ای بر روش های اسلامی. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

شریعتمداری، علی. (۱۳۷۶). تعلیم و تربیت اسلامی. انتشارات: دانشگاه تهران.

شریعتمداری، علی. (۱۳۷۶). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

قطب، محمد. (۱۳۷۵). روش های تربیت اسلامی. ترجمه محمدمهدی جعفری. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

کلینی، رازی، محمد. (۱۳۶۹). اصول کافی. ترجمه سید جواد مصطوی. تهران، انتشارات علمیه اسلامی. جلد ۲ و ۶.

مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.



جهاد دانشگاهی



Academia.edu



TPBIN.com



CiteFactor



Symposia



JREF.IR



DRJI



CIVILICA



CONF PAPER



ESJJI



IOWORLD OF JOURNALS



Bahamash



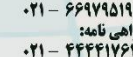
ScienceAlert



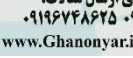
EasyPapers



QDXP



INDEX COPERNICUS



Konferansiyab

موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی icsi world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/فینیکس/آریزونا)
برگزار می کند:

همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

محورها همایش:

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲







به ۵۵ مقاله برتر و برگزیده همایش، ۵۵ تقدیب به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد. به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد. تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردند. داوری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.

تقویت رزومه داوطلبان آزمون دکتری اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دیرخانه: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲
واحد پذیرش مقالات:
۰۲۱-۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶
واحد صدور گواهی نامه:
۰۲۱-۴۴۴۴۱۷۶۴ و ۸۴
مشاور و راهنمای ارسال مقالات:
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ و ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir